

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ش. آهنگر
۱۱ سپتمبر ۲۰۱۷

امپریالیست ها جهان را به سوی جنگ می کشانند

ساختار جامعه سرمایه داری که بر سود و رقابت مبتنی است و امپریالیسم بالاترین مرحله آنست، به طور طبیعی و در ذات خود آکنده از بحران و کشمکش است که گردانندگان آن برای حل آن بحران ها از شیوه های نامناسب، و از جمله جنگ، استفاده می کنند. این جنگ و ستیز امپریالیستی گاهی در نتیجه تشدید تضادهای درونی امپریالیست ها، دامن خود شان را نیز گرفته و امپریالیست های رقیب بر سر سود و بازار و منابع سود به جان هم می افتند و کره زمین را کانون جنگ های تباه کن و ویرانگر جهانی می سازند.

به گواهی تاریخ سیستم امپریالیسم جهانی از آغاز پیدائی اش چون درنده ای وحشی در جنگ و خونریزی و ویرانی رشد و قوام یافته و بقایش را در سلطه بر دیگران می جوید. نیمه اول قرن بیستم، شاهد تضاد و درگیری بین امپریالیست های انگلیس و المان بود که بر سر کنترل اروپا دو جنگ جهانی را برپا کردند، میلیون ها انسان را به خون کشیدند و قسمت هایی از آبادی و تمدن بشریت را به خاک یکسان کردند.

در نیمه دوم قرن بیستم شاهد جنگ سرد بین دو بلوک امپریالیستی به رهبری امریکا و شوروی بودیم که نتیجه اش به بردگی کشیدن قسمت هایی از جهان توسط هر کدام و به خون کشیدن بخش هایی از جهان توسط شان، مثل ویتنام، افغانستان، سومالی و عراق است. به گزارش رسانه ها در فاصله ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ م (قبل از اشغال عراق) هواپیماهای امریکائی و انگلیسی ۲۸۰ هزار مأموریت بمب افکنی بر روی عراق انجام دادند. (گزارشی از Anthony Arno - عراق ده سال زیر سلطه - ماه نامه Review دسمبر ۲۰۰۰ شماره ۷)

علاوتاً ساخت و گسترش سلاح های کشتار جمعی و ویرانی وحشت آور محیط زیست نیز محصول رشد سیستم امپریالیستی - این موجود خونخوار، ویرانگر و منفور است. امپریالیست ها برای هزارمین بار ثابت ساختند که : امپریالیسم یعنی استعمار، یعنی جنگ، یعنی جهانگشائی و خون ریزی، یعنی غارت جهان و به اسارت کشیدن خلق ها. اما علی رغم این همه تجربه و شناخت عملی، پس از سقوط و فروپاشی اتحاد شوروی سابق، عده ای از تنوریسن های جهان سرمایه مانند "فوکویاما" ناشیانه و یا اغواگرانه پایان تاریخ را اعلان کردند و برخی مانند "مایکل هارست" و "آنتونیونگری" در کتاب شان به نام "Empire - امپراتوری، ص ۳۳۳"، به جهانیان نوید دادند که با وارد شدن به عصر گلوبال یا جهانی شدن، امپریالیسم و استعمار از میان رفته و دیگر جهان شاهد رقابت و جنگ میان انحصارات و دولت های امپریالیستی نخواهد بود.

این تئوری های اغواگر، درست جا نیفتاده بود که یکی از جناح های غول ویرانگر و خونخوار امپریالیسم به تئوریسین های خیالباف و اغواگرش فرصت زیاد مشاطه گری نداد و زود نقاب از چهره به دور افگند. هزاره سوم هم با یورش نظامی و وحشیانه امپریالیسم به افغانستان و عراق آغاز شد و نئولیبرالیسم امریکائی زیر نام "جهانی شدن"، برآن شد تا با زور اسلحه و ریختن خون انسان ها و ویرانی تمدن های دیگر، آقائی اش را بر جهان اعمال کند. هنوز خون از بدن کشورهای بالکان نخشکیده و دود بمباردمان های امپریالیست ها در این سرزمین ها فروکش نکرده بود که اینبار غول امپریالیسم با چهره خشن تر و خونریز تر از سابق، جنگی دیگر آفرید. امپریالیسم دهن دریده امریکا به یاری امپریالیست های اروپا و با همدستی بنیادگرایان مسلمان وحشی تر از خود، دریاهای خون درعراق و افغانستان و سوریه جاری ساختند، تمدن های کهنی را که افتخار تاریخ بشریت بودند، در این مناطق ویران و به خاک یکسان کردند. در اوکراین به جرم امضاء نکردن سند وابستگی، ابتداء کودتا کردند و بعد با مشتعل ساختن جنگ داخلی آن کشور را به خاک و خون کشیدند و...

جناح دیگر (امپریالیسم روس) نیز، کمی دیرتر، درتقابل باحریف اول الذکر به میدان جنگ شتافت. جزیره کریمه را اشغال کرد، به اوکراین دست انداخت، به سوریه لشکرکشی و خلاصه طبل رقابت را با جنگ نواخت و این هردو رقیب امپریالیستی برسر تقسیم سود، کشورهایی را به میدان جنگ خونین شان بدل ساختند. درنتیجه این رقابت امپریالیستی، افغانستان، عراق، سوریه، اوکراین، و... به نسبت های مختلف ویران شدند، صدها هزار نفر به خون غلتیدند و میلیون ها انسان آواره شدند و زندگی میلیون ها انسان برباد رفت.

جهان بعد از این یک و نیم دهه اخیر، به طور کامل شاهد شکست تئوری بافی های "فوکویاما" ها و "مایکل هارت" ها و "آنتونیونگری" ها و امثال شان بوده و درد و رنج تطبیق تئوری های جنگ افروزانه و سلطه گراییه نئولیبرالیسم امریکا را زیرنام "جهانی شدن" کشیده است. اگر طراحان و هواداران این تئوری ها، که حتی درکشورما خواب نابودی فئودالیسم و استقرار دموکراسی را به دست امپریالیست های متجاوز می دیدند، وجدان و شرافت نفروخته ای داشته باشند، باید اعتراف کنند که غلط می پنداشتند و برداشت ها و طرح های شان، اگر نگوئیم اغواگرانه، بگویند، اشتباه بود. آری جوجه تئوریسین های نئولیبرال کشورما باید به آواز بلند بگویند و بنویسند که اشتباه کرده اند؛ اگر به این اشتباه خطرناک شان که کشور ما را به نابودی کشیده است اذعان و اعتراف نکنند، آنگاه مردم ما حق دارند آن ها را نیز عوامل امپریالیسم واستعمار بگویند که به ملک و مردم شان خیانت کرده اند.

هم اکنون ترمپ و دستیارانش بر شیپور جنگ جهانی دیگری پف می کنند. وزیر جنگ امریکا، که به سگ دیوانه معروف است، کوریای شمالی دارای بمب هسته ئی را به "نابودی کامل" تهدید می کند. آری او به صراحت می گوید که ما می توانیم کوریای شمالی را "کاملاً نابود" کنیم و این گزینه هم روی میز ما است. پس کوریای شمالی به خطر "نابودی کامل" از طرف امریکا مواجه است.

کسی نیست از این ها بپرسد که آیا همان "قوانین" ملل متحد که به شما اجازه داد با "احساس" خطر تجاوز به "منافع" تان، به افغانستان و عراق و جاهای دیگر "حمله پیشگیرانه" بکنید هم اکنون به کوریای شمالی که از طرف شما علناً تهدید به "نابودی کامل" می شود و جهانیان همه این تهدید را شنیدند، اجازه نمی دهد که به کشور شما "حمله پیشگیرانه" بکند و شما را بمبارد نماید؟ اگر ملل متحد صرف با "احساس خطر منافع" تان، "حمله پیشگیرانه" به عراق و افغانستان را به شما مجوز داده، اینک "حمله پیشگیرانه" به شما هم که کشوری را به "نابودی کامل" تهدید می کنید، صد البته که باید همان مجوز را داشته باشد. اگر کوریای شمالی از قانون "حمله پیشگیرانه" ساخت خودتان به عنوان حق بین المللی خود، استفاده کرد و شما و متحدان تان را بمباردمان کرد — آن هم بمباردمان هسته ئی — آنگاه کار به کجا

می کشد؟ مثل این که "سگ دیوانه" و فرمانده احمقش، درگفتار و کردار جنگ طلبانه‌شان، قدرت محاسبه عواقب شوم این گفتار و کردار را ندارند. با این حال جهان تحت رهبری این ها و متحدان شان به کجا کشیده می شود؟

از سوی دیگر حاکمان کوریای جنوبی به مثابه توله سگ قلاده به گردن امریکا، بیخردانه و جنگ طلبانه در زیر سبیل چین و مجاورت روس، خواستار استقرار سلاح های هسته ئی امریکا در کوریای جنوبی شده اند. مگر این پف کردن بر شیپور جنگ جهانی نیست؟ چین و روسیه چرا باید اجازه چنین کاری را بدهند که امریکا به عنوان رقیب شان از آنسوی دنیا سلاح هسته ئی اش را به چندکیلومتری کشورهای شان آورده و فردا آن ها را نیز تهدید به "نابودی کامل" بکند؟ تاریخ فراموش نکرده است که با انتقال چند دانه موشک به کوبا، توسط خروشچف رهبر وقت سوسیال امپریالیسم شوروی، با اعتراض شدید امریکا و متحدانش، جهان تا چند قدمی یک جنگ جهانی رسیده بود. حال چگونه می توان تصور نمود که چین و روسیه با انتقال سلاح هسته ئی امریکا به کوریای جنوبی (زیرسبیل شان) به اعتراض و لشکرکشی متقابل دست نزنند؟ و مثلاً در کوبا یا ونزوئلا و ... سلاح هسته ئی مستقر نکنند؟ این آتش افروزی یک جنگ جهانی نیست، پس چیست؟

امریکائی ها و متحدان شان در سوریه با بمباردمان ارتش سوریه و کمک به داعش، دانه جنگ با روسیه می چینند. با اعزام نیرو و سلاح به پولند و اوکراین نیز رویارویی با روس ها را تشدید می کنند. بستن ادارات روسیه در امریکا و عمل متقابل روس ها، بر جدال بین شان می افزاید و تضادهای بین این دو غول وحشی جنگ طلب و جنگ افروز را روز به روز شدت می بخشد. و...

در منطقه خلیج فارس تضادهای بین حکام، متبازتر می شود و خطر تصادم آن می رود. عربستان سعودی به عنوان چوب دست امریکا، گاهی به فرق یمن زده می شود و آن را به خون می کشد، گاهی به ایران جنگ و دندان جنگ نشان می دهد و اینک با قطر در آویز شده است. امپریالیسم امریکا با فروش میلیارد ها دالر اسلحه به عربستان سعودی و امارات که یک جانب ستیز هستند و هکذا فروش میلیاردها دالر اسلحه به قطر که جانب دیگر دعوا است بر آتش اختلافات بنزین می ریزد، تا نفت و پول بیشتری را از منطقه ببرد. حال با مشتعل شدن جنگ در این منطقه چه اتفاقات خونین و ویرانگری خواهد افتاد، از تصور بیرون است. ولی امریکائی ها بدین خیال هستند که به امریکا در آن سوی دنیا هیچ صدمه ای نمی رسد؟؟!!

اسرائیل به عنوان غده خبیثه دیگری، برطبل جنگ می نوازد. از کمک با داعش و بنیادگرایان اسلامی همانندش در جنگ با سوریه، تا راه انداختن بزرگترین مانور نظامی در این روزها، و اینک با حمله هوایی دیروزش به سوریه، نشان می دهد که اسرائیل جزئی از پروگرام جنگ افروزان امریکا در منطقه است و آتش افروزی می کند.

شعله ور شدن جنگ های مرزی بین هند و چین به عنوان پرنفوس ترین کشورهای جهان و دارای بمب اتمی و همچنان جنگ و کشتار مرزی بین هند و پاکستان نیز آذیرهای خطر جنگ منطقه ئی را که به جنگ گسترده ای خواهد انجامید، به صدا درمی آورد.

اروپائی ها نیز بعد از سیاست "اول امریکا" ی ترمپ و برخوردهای ارباب منشا نه او، سرافکنده شدند و اینک که اتحادیه اروپا هم در بحران فروپاشیست، برای انتقال این بحران ها به طرح ایجاد ارتش اروپائی متوسل شدند، یعنی به جنگ توجه می کنند.

ایران هم با صدور انقلاب به کشورهای مسلمان مداخله می کند. افغانستان، عراق، سوریه، یمن، بحرین، لبنان و ... از این مداخلات ایران آسیب فراوان دیده اند. طبیعتیست که چنین مداخلاتی برانگیزنده و تشدید کننده مداخلات عربستان

سعودی وهابی و پاکستان و ترکیه اخوانی و همچنان اسرائیل و امریکا در این کشورها شده و بر تشدید جنگ و اختلافات بومی و منطقه‌ئی افزوده است.

این‌ها و مسایلی از این قماش به ما هشدار می‌دهند که امپریالیست‌ها و حاکمان مرتجع کشورهای مداخله‌گر، جهان را به سوی جنگ می‌کشانند. لذا باید به خلق‌های جهان این آژیر را داد که با اتحاد خود جلو این جنگ طلبی‌ها را سد شوند. به ویژه مردم امریکا، اروپا، روسیه، اسرائیل، چین، هند، پاکستان، عربستان سعودی، هردو کوریا، ایران و جاپان، که حاکمان‌شان به نسبت‌های متفاوت تومورهای خبیثه جنگ هستند، باید با بسیج همگانی و اعتراضات مناسب، جلو حاکمان‌شان بایستند و حاکمیت‌شان را فلج بسازند تا نتوانند به جنگ افروزی‌های‌شان ادامه دهند که اینبار جنگ جهانی یعنی نابودی بشریت.